

تربیت از دیدگاه امام سجاد علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">

امام ساجدان علی بن الحسین (ع) در رساله جامع حقوقی خود، که سند پرافتخار و گرانسنگ معارف ناب شیعی است، به بیان حقوق مختلفی که بر عهده فرد مسلمان است، می پردازد. آن بزرگوار حقوق فرزندان و خردسالان را در کانون توجه خویش قرار داده، والدین را با مسؤولیت خطیرشان آشنا می سازد. حساسیت و ظرافت موضوع، امام ساجدان (ع) را بر آن داشت تا در منشور حقوقی اش دو بخش را، با عنوان های «حق الولد» و «حق الصغیر»، به حقوق فرزندان و خردسالان اختصاص داده، راهنمای تربیتی والدین باشد و شیوه های مطمئن و ره توشه های تربیتی ماندگار را فرا روی آنان قرار دهد. این مقاله بر آن است تا، ضمن نقل متن کلام نورانی امام (ع) در دو بخش «حق الوالد» و «حق خردسال»، در حد بضاعت نگارنده به توضیح و تبیین آن بپردازد.

بخش اول: حق فرزند

«واما حق الولدک فتعلم انه منک ومضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره وشره وانک مسئول عما ولیته من حسن الادب والدلالة علی ربه والمعونة له علی طاعته فیک وفی نفسه فمثاب علی ذالک ومعاقب، فافعل فی امره عمل المتزین بحسن اثره علیه فی عاجل الدنیا المعذر الی ربه فیما بینک وبنیه بحسن القيام علیه والاخذ منه ولاقوة الا بالله.»

این سخن حاوی نکات مهم تربیتی است که به برخی از آنها اشاره می شود:

1 - فرزند، پاره تن انسان

فتعلم انه منک ...

امام سجاد (ع) در این بخش از سخنانش فرزند را جزئی از وجود انسان و پاره تن او می خواند. بدیهی است که انسان، بطور فطری، خود و اشیا و امور وابسته به خود را دوست دارد، در راه نگهداری اش فداکاری می کند و در مسیر رشد و تعالی اش می کوشد. این حقیقت که فرزند وابسته به انسان جزئی از وجود اوست، مسؤولیت سنگین والدین و لزوم عنایت پیوسته به تربیت و رشد فرزندان را یادآوری می کند.

2 - فرزندان مایه افتخار یا ذلت والدین

... ومضاف الیک فی عاجل الدنیا بخیره و شره

کودکان پاک و معصومند و سرزمین وجودشان آماده افشاندن هر بذری است. والدین می توانند باغبانانی دلسوز و با تدبیر باشند و دشت حاصلخیز وجود فرزندان را به باغستانی سرسبز و بارور تبدیل کنند یا در شمار کشاورزان ناآگاه و بی تجربه جای گرفته، در سرزمین وجود فرزندان خاکی بکارند. البته ثمره تلخ و شیرین فرزندان، سرانجام به والدین می رسد. اگر فرزندان نیک باشند، مایه نیکنامی و افتخار والدین می شوند و اگر درست تربیت نشوند، مایه خواری و بدنامی آنان خواهند بود. آری، چه بسیار والدینی که سالها پیش بدرد حیات گفتند، ولی به سبب فرزندان و یادگاران صالح و شایسته، همچنان نامشان زنده و یادشان گرامی است و ندای «خدایش بیامرزد» مؤمنان هدیه روحشان است. در مقابل گروهی از والدین، به خاطر فرزندان زشت کردارشان مورد خشم و نفرت دیگران قرار گرفته اند و نفرین مردم پیوسته بدرقه راهشان. بدین جهت امام (ع) در آغاز سخنش می فرماید: «فرزند انسان جزئی از وجود اوست و خیر و شرش با وی گره خورده است.» این هشدار به والدین است که اگر برای تربیت فرزندان اهمیت قایل نیستند و اگر آینده فرزندان را نمی خواهند، دستکم به نیک نامی خویش بیندیشند.

3 - مسؤولیت والدین

... وانک مسئول عما ولیته.

فرزندان ودیعه های الهی و از بزرگترین نعمتهای پروردگارند. آنان صفابخش لحظه های زندگی و مایه طراوت، شادابی و آرامش کانون خانواده اند. والدین در برابر این ودیعه ها و نعمتهای الهی باید هم سپاسگزار باشند و هم احساس مسؤولیت کنند. شکر نعمت فرزند، درست انجام دادن وظیفه بزرگ و سنگین تربیت است. آنها خواسته یا ناخواسته این مسؤولیت بزرگ را بر دوش دارند و ضروری است که، ضمن باور کردن این مسؤولیت و اهمیت والایش، جهت انجام دادن درست آن، خود را به ابزار لازم مجهز کنند و با استعانت از خدای منان و عزمی راسخ آن را به انجام رسانند.

4 - محورهای مسؤولیت

در کلام نورانی امام (ع)، والدین نه تنها مسؤول تربیت فرزندان شمرده شده اند، بلکه محورهای مسؤولیت آنان نیز مشخص شده است. این محورها عبارت است از:

1 - ادب نیکو؛ (من حسن الادب)

2 - خداشناسی؛ (والدلالة علی ربه)

3 - اطاعت خداوند؛ (والمعونة علی طاعته)

والدین باید در این سه محور (اخلاق، اعتقادات و پیروی عملی از شرع مقدس) انجام وظیفه کنند. مسؤولیت آنان

تنها تامین غذا، مسکن و بهداشت جسمانی نیست. آنها، پیش از آنکه مسؤول تامین سلامت جسمانی و تامین معیشت فرزندان باشند، مسؤولیت تامین سلامت اخلاقی و اعتقادی و عملی آنها را بر عهده دارند.

5 - شیوه ایفای مسؤولیت

... فیک و فی نفسه.

به نظر می رسد که دو کلمه «فیک و فی نفسه» در کلام حضرت به روش اجرای مسؤولیت والدین اشاره می کند. بدین بیان که «فیک» به بعد الگوی عملی والدین و «فی نفسه» به تلاش خود فرزند اشاره دارد که البته آن هم در سایه هدایت و کمک والدین به دست می آید. شیوه الگویی از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه های تربیت است و ائمه اطهار: اغلب در تربیت فرزندان از این شیوه بهره می بردند؛ یعنی خود الگویی کامل برای فرزندان بودند و با عمل و رفتار خویش آنها را تربیت می کردند.

البته، در کنار پدید آوردن الگوی عملی، باید زمینه را فراهم ساخت تا فرزند، خود نیز تلاش کند؛ در پی سعادت خویش برآید؛ در مسیر تربیت گام بردارد و پیوسته به حمایت والدین وابسته نباشد. در این مرحله، وظیفه والدین هدایت، نظارت و بستر سازی برای تعلیم و تربیت خودجوش است.

6 - پاداش و کیفر مسؤولیت

... فمئاب علی ذالک ومعاقب.

مسؤولیت داشتن آثاری دارد. اگر به درستی انجام شود؛ فرد سزاوار پاداش و تشویق است؛ و اگر در ایفای آن کوتاهی شود، فرد استحقاق تنبیه و کیفر می یابد. اگر والدین مسؤولیت خود را درست انجام دهند، شایسته پاداش الهی می شوند؛ و اگر کوتاهی کنند، کیفر در انتظارشان خواهد بود.

7 - نمایاندن آثار اعمال نیک به فرزند

... فاعمل فی امره عمل الممتزین بحسن اثره علیه فی عاجل الدنیا.

بزرگ جلوه دادن کار نیک فرزند و نشان دادن اثر اعمال نیک کودک به او از اقدامات مؤثر تربیتی شمرده می شود. بزرگ کردن کار خوب فرزند نوعی تشویق معنوی است، سبب ایجاد و تقویت انگیزه می شود و او را برای انجام دادن کارهای بزرگتر و بهتر آماده می سازد. والدین نباید از کنار کار خوب فرزند، هر چند در نظر آنان کوچک و ناچیز باشد، با بی توجهی بگذرند؛ بلکه بجاست آنان را به خاطر کار خوب تشویق کنند، کردارشان را زینت دهند و بزرگ نمایانند. افزون بر این، شایسته است آثار کارهای خوب فرزندان را برای آنان ترسیم کنند و به زیبایی نمایش دهند؛ چرا که آنان، با دیدن آثار اعمالشان، اعتماد به نفس بیشتر می یابند و خود را برای انجام دادن کارهای بزرگتر توانا می بینند.

8 - نظارت بر رفتار فرزند

... بحسن القيام عليه.

بی تفاوتی و غفلت از رشد و هدایت فرزند در زندگی آثاری جبران ناپذیر دارد. فرزند انسان نونهالی است که به باغبانی دلسوز و با درایت نیازمند است تا از او مراقبت کند؛ بویژه امروز که در اثر تهاجم فرهنگی زمینه های انحراف نوجوانان و جوانان آماده تر است و دشمنان هدایت و تربیت، برای صید آنان دامهای رنگارنگ گسترانیده اند. در این موقعیت، نظارت و مراقبت از فرزندان ضرورت مضاعف یافته، مسئولیت سنگین تر می شود و انجام دادن وظیفه تلاش بیشتر می جوید.

9 - بهره گیری از استعداد های فرزند در تربیت

... والاخذ منه.

انسان اشرف مخلوقات است و استعداد رسیدن به رفیعترین قله های انسانیت را دارد. خداوند استعدادهایی در وجود انسان به ودیعه گذاشت تا در پرتو پرورش صحیح شکوفا شود. علاوه بر استعدادهای فطری و مشترک، که در همه انسانها وجود دارد، هر فرد نیز از تواناییهایی ویژه برخوردار است که ضروری است در پرتو دقت و نظارت والدین و معلمان و مربیان بخوبی شناسایی و حمایت شود تا به رشد و شکوفایی برسد، در سایه آن، راه طولانی تربیت سریعتر پیموده شود و تربیت فرزند آسانتر انجام گیرد.

10 - استمداد از پروردگار در تربیت

... ولا قوة الا بالله.

تربیت آسان نیست، بلکه ظریف، دقیق و پیچیده است. انسان ماشین نیست تا به سادگی راه اندازی شود. علم بشر، با همه پیشرفتی که دارد، هنوز در شناخت رموز ابعاد وجودی انسان توفیق کامل نیافته است. بنابراین، در امر ظریف تربیت، همراه با تلاش خستگی ناپذیر و پیوسته، هماره باید از آفریدگار یاری خواست. بدین سبب، امام عارفان و سید ساجدان در پایان این نسخه تربیتی فرموده است: ولا قوة الا بالله.

بخش دوم: حق خردسال

«واما حق الصغیر فرحمته وتثقیفه وتعلیمه والعفو عنه والستر علیه والرفق به والمعونة له والستر علی جرائمه»

1 - مهربانی

کودک روانی لطیف و ظریف دارد؛ روانی که جز مهربانی بر نمی تابد. او ظرفیت عتاب و تندی ندارد و زود می رنجد و می گرید. آری، مهربانی ضروری ترین نیاز کودک است. بدین جهت، امام سجاد (ع) آن را اولین حق کودک برمی شمرد و بر حق تربیت و تعلیم مقدم داشت. این بدان معناست که کودک، پیش از نشستن در کلاس تربیت و تعلیم، باید نسیم خوش مهربانی و عطوفت را تجربه کند؛ اقلیم وجودش از بوی خوش مهربانی عطرآگین گردد و حتی آموزش نیز باید در پرتو مهربانی و عطوفت به انجام رسد. جالب آن است که در نسخه شیخ صدوق عبارت «فرحمته فی تعلیمه» به چشم می خورد که تصریح بدین امر است. بدین سان، در می یابیم که آموزش، بویژه در دوره ابتدایی، باید با مهربانی و محبت همراه باشد. این اصلی اساسی و اجتناب ناپذیر است.

2 - تربیت کودک

... و تثقیفه.

اساسی ترین و ضروری ترین حق فرزند و خردسال تربیت اخلاقی و معنوی اوست. تربیت با اهمیت ترین هدف و بلکه هدف همه تعالیم و معارف اسلامی است. زندگی انسان مسلمان در پرتو تربیت اسلامی معنا پیدا می کند و ارج و ارزش انسان به تربیت معنوی و اخلاقی اوست. وگرنه، به فرموده قرآن، مانند حیوان و بلکه از آن هم پست تر خواهد بود. اهمیت والای تربیت، وظیفه والدین را صد چندان می کند. آنان که در حیات تربیتی فرزندان اولین نقش را بر جای می نهند، نخستین و اساسی ترین وظیفه را نیز به عهده دارند و ضروری است بیش از هر حق دیگری بدین حق اساسی کودک توجه کرده، در انجام دادن درست آن از هیچ کوششی دریغ نکنند.

3 - تعلیم و آموزش کودک

... و تعلیمه.

از دیگر حقوق مهم فرزند سوادآموزی و فراگیری دانش است. اهمیت سوادآموزی و دانش به توضیح و تاکید نیاز ندارد. پر واضح است، سعادت هرگونه که تفسیر شود، دانش آموختن اولین و اساسی ترین گام رسیدن به آن است. اگر کسی سعادت را صرفاً رفاه مادی و آسایش دنیوی معنا کند، دانش آموختن گام نخست در تحصیل آن است و اگر آن را در قرب الهی و بندگی خداوند جستجو کند که حق همین است باز هم دانش و معرفت از مطمئن ترین راههای وصول بدان شمرده می شود. دانش کلید حل بسیاری از مشکلات و ابزار دستیابی به بسیاری از مصالح و منافع مادی و معنوی است. بر والدین، که در برابر سعادت فرزندانشان مسؤولند؛ ضروری است تا زمینه تحقق این حق مهم را برایشان فراهم سازند و آنان را از نعمت سواد و دانش بهره مند گردانند.

... والعفو عنه.

زمینه خطا و اشتباه در اعمال و رفتار کودک بسیار است. آنان در ابتدای مسیر رشد هستند، نه رشد بدنی کافی یافته اند و نه عقل و تدبیرشان به حد کمال رسیده است. بنابراین، امکان هر نوع لغزش و خطا در رفتار و گفتارشان وجود دارد. والدین و بزرگسالان باید این واقعیت را بپذیرند که کودکانشان انسانهای کوچکی بیش نیستند و انتظار بزرگان از آنان داشتن خطاست. پس بجاست که از خطاهای آنان با کرامت و بزرگواری درگذرند و پوزش آنان را براحتی بپذیرند.

5 - خطاپوشی و تغافل

والستر علیه ... والستر علی جرائر حادثه فانه سبب للتوبة.

چنانکه بیان شد، در کودکان و نوجوانان، به خاطر عدم رشد کامل عقلانی، زمینه لغزش بسیار است و اشتباه و تقصیر در اعمال و رفتارشان دور از انتظار نیست. واکنش والدین و بزرگترها، در برابر این لغزشها، دو نوع است یکی آنکه خطاهایشان را سریع به آنان گوشزد کنند، و احیانا به تنبیه و سرزنش آنان بپردازند و دیگر آنکه، ضمن داشتن حساسیت و توجه، به روش خطاپوشی و تغافل که روشی درست و اثربخش است، روی آورند؛ چرا که تغافل از اصول مهم تربیتی است؛ یعنی والدین خود را به غفلت بزنند و چنان وانمود کنند که خطای فرزندشان را ندیده اند. چنانچه والدین چنین رفتاری داشته باشند، امکان پشیمانی و بازگشت از خطا بیشتر است؛ اما اگر کودکان و نوجوانان در مقابل هر خطا و تقصیری با سرزنش و تنبیه والدین رو به رو شوند، احساس مجرم بودن کرده، چنان می اندیشند که دیگر اعتبار و ارزشی نزد والدین و بزرگسالان ندارند. این امر باعث می شود که در مراحل بعد نیز لغزش و خطا برایشان زشت نباشد و ارتکاب آن امری عادی شمرده شود. گذشته از این، سرزنش و تذکرات پیاپی، بذل لجاجت را در وجود فرزند می افشاند و زمینه پذیرش اندرز را در او نابود می کند. امام زین العابدین (ع) به خاطر اهمیت اصل خطاپوشی و تغافل، این حق را مورد تاکید قرار داده و دو بار آن را بر زبان رانده است. آن بزرگوار فایده و سبب خطاپوشی را نیز بیان کرده، می فرماید: پوشاندن لغزشهای دوران کودکی و نوجوانی به بازگشت آنان و پرهیز از خطا و لغزش می انجامد.

6 - رفق و ملاطفت با کودک

... والرفق له.

روحیه لطیف کودک با اندک تندی و خشم، آزرده می شود. بنابراین، بویژه والدین، باید از گلهای زندگی خویش با لطافت و نرمی مراقبت کنند؛ با صبر و حوصله در برابر آزارهای کودکانه آنان عطوفت و ملاطفت نشان

دهند و جز در موارد استثنایی نگاه تند و چهره خشمگین بدانان نشان ندهند.

7 - کودکان فقرای درگاه بزرگسالان

... والمعونة له.

کودکان کانون نیازمندی و فقرند. نیازهایشان فراوان و کمبودهایشان نمایان است. آنان در لحظه لحظه کودکی‌شان به حمایت و مراقبت والدین و بزرگترها نیازمندند. نیازهای جسمانی، نیازهای عاطفی، نیازهای روانی و ... از آنان مسکینانی راستین ساخته است. آنها جز در پرتو کمک و حمایت بزرگترها و والدین قادر به رشد و تکامل و حتی ادامه حیات نیستند. بنابراین، بر بزرگسالان است که مستمندان درگاه خویش را یاری دهند و در رفع نیازمندیهای آنان بکوشند.

8 - مدارا با کودک

... والمدارة له.

ضرورت مدارا و تحمل رفتارهای ناسنجیده کودکان امری روشن است؛ چرا که آنان در طریق رشد و تکاملند، هنوز درکشان کامل نگشته، خوب و بد کارها را براحتی تشخیص نمی دهند، با آداب اجتماعی آشنا نیستند، ارزشها و ضد ارزشها برایشان بی معناست، خواسته ها و انتظاراتشان لباس منطق بر تن نپوشیده است و همچنان در خیالات و پندارهای کودکانه خویش غوطه ورنند. کنجکاوی و انرژی زیادشان اغلب آنان را به انسانهای شلوغ و پردردسر مبدل ساخته و اعمال و رفتار ناسنجیده و آزار دهنده را ویژگی طبیعی شان ساخته است. والدین و بزرگسالان باید این موقعیت کودکان را بدرستی درک کرده، با بردباری بسیار خود را برای تحمل کردار نادرست آنان آماده سازند تا از امتحان بزرگ و سخت دوران کودکی فرزندان سربلند برون آیند.

9 - ترک لجاجت با کودک

... وترک مما حکته فانه ادنی لرشده.

کودکان، به خاطر نداشتن آگاهی لازم و درک کافی، کمبودها و نقص های بسیار دارند. آنها چه بسا به لجاجت با والدین و بزرگسالان برخاسته، باعث آزار آنها می شوند. در چنین موقعیتی بزرگترها باید با کودکان مدارا کنند و از لجاجت و مخاصمه با آنان جدا بپرهیزند. طبق سخن امام سجاد (ع) این روش برای رشد و هدایت کودکان مناسبتر است.